

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾

فولادوند: نون سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند

مکارم: ن، سوگند به قلم، و آنچه را با قلم می‌نویسند

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾

فولادوند: [که] تو به لطف پروردگارت دیوانه نیستی

مکارم: به برکت نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی.

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ ﴿٣﴾

فولادوند: و بی‌گمان تو را پاداشی بی‌منت خواهد بود

مکارم: و برای تو اجر و پاداشی عظیم و همیشگی است.

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

فولادوند: و راستی که تو را خوبی والاست

مکارم: و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری.

فَسْتَبْصِرْ وَيُصِرُونَ ﴿٥﴾

فولادوند: به زودی خواهی دید و خواهند دید

مکارم: و به زودی تو می‌بینی و آنها نیز می‌بینند.

بِأَيِّكُمْ الْمَقْتُولُ ﴿٦﴾

فولادوند: [که] کدام یک از شما دستخوش جنونید

مکارم: که کدامیک از شما مجنون هستید.

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٧﴾

فولادوند: پروردگارت خود بهتر می‌داند چه کسی از راه او منحرف شده و [هم] او به راه یافتگان داناتر است

مکارم: پروردگار تو بهتر از هر کس می‌داند چه کسی از راه او گمراه شده، و هدایت یافتگان را نیز بهتر می‌شناسد.

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ ﴿٨﴾

فولادوند: پس از دروغزنان فرمان میر

مکارم: حال که چنین است از تکذیب کنندگان اطاعت مکن.

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ ﴿٩﴾

فولادوند: دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند

مکارم: آنها دوست دارند نرمش نشان دهی تا آنها نرمش نشان دهند (نرمشی توأم با انحراف از مسیر حق).

وَلَا تُطِيعُ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ ﴿١٠﴾

فولادوند: و از هر قسم خورنده فرو مابه‌ای فرمان میر

مکارم: و اطاعت از کسی که بسیار سوگند یاد می‌کند و پست است مکن

هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بَنَمِيمٍ ﴿١١﴾

فولادوند: [که] عیجوست و برای خیرچینی گام برمی‌دارد

مکارم: کسی که بسیار عیجو و سخن چین است.

مَنَاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ﴿١٢﴾

فولادوند: مانع خیر متجاوز گناه پیشه

مکارم: و بسیار مانع کار خیر. و تجاوزگر، و گناهکار است.

عُتْلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ ﴿١٣﴾

فولادوند: گستاخ [و] گذشته از آن رنازاده است

مکارم: علاوه بر اینها کینه توز و پرخور و خشن و بدنام است.

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ﴿١٤﴾

فولادوند: به صرف اینکه مالدار و پسرदार است

مکارم: مبدا به خاطر اینکه صاحب مال و فرزندان فراوان است از او پیروی کنی.

إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ﴿١٥﴾

فولادوند: چون آیات ما بر او خوانده شود گوید افسانه‌های پیشینیان است

مکارم: هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود می‌گوید اینها افسانه‌های خرافی پیشینیان است.

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرُطُومِ ﴿١٦﴾

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

فولادوند: زودا که بر بینی‌اش داغ نهیم [و رسوایش کنیم]

مکارم: به زودی ما بر بینی او علامت و داغ ننگ می‌نهیم.

إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ﴿١٧﴾

فولادوند: ما آنان را همان گونه که باغداران را آزمودیم مورد آزمایش قرار دادیم آنگاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و [میوه]

آن [باغ] را حتما بچینند

مکارم: ما آنها را آزمودیم همانگونه که صاحبان باغ را آزمایش کردیم، هنگامی که سوگند یاد کردند که میوه‌های باغ را صبحگاهان

(دور از انظار مستمندان) بچینند.

وَلَا يَسْتَنْوْنَ ﴿١٨﴾

فولادوند: و[لی] ان شاء الله نگفتند

مکارم: و هیچ از آن استثنا نکنند.

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ ﴿١٩﴾

فولادوند: پس در حالی که آنان غنوده بودند بلایی از جانب پروردگارت بر آن [باغ] به گردش در آمد

مکارم: اما عذابی فراگیر (شبانه) بر تمام باغ آنها فرود آمد در حالی که همه در خواب بودند.

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿٢٠﴾

فولادوند: و [باغ] آفت زده [و زمین بایر] گردید

مکارم: و آن باغ سرسبز همچون شب سیاه و ظلمانی شد.

فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ ﴿٢١﴾

فولادوند: پس [باغداران] بامدادان یکدیگر را صدا زدند

مکارم: صبحگاهان یکدیگر را صدا زدند.

أَنْ اَعْدُوا عَلَي حَرِثِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ ﴿٢٢﴾

فولادوند: که اگر میوه می‌چینید بامدادان به سوی کشت‌خویش روید

مکارم: که به سوی کشتزار و باغ خود حرکت کنید اگر قصد چیدن میوه‌ها را دارید.

فَانْطَلِقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ﴿٢٣﴾

فولادوند: پس به راه افتادند و آهسته به هم می‌گفتند

مکارم: آنها حرکت کردند در حالی که آهسته با هم می‌گفتند.

أَنْ لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ﴿٢٤﴾

فولادوند: که امروز نباید در باغ بینوایی بر شما در آید

مکارم: مواظب باشید امروز حتی يك فقير وارد بر شما نشود!

وَعَدُوا عَلَىٰ حَرْدٍ قَادِرِينَ ﴿٢٥﴾

فولادوند: و صبحگاهان در حالی که خود را بر منع [بینوایان] توانا می‌دیدند رفتند

مکارم: آنها صبحگاهان تصمیم داشتند که با قدرت از مستمندان جلوگیری کنند.

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ﴿٢٦﴾

فولادوند: و چون [باغ] را دیدند گفتند قطعاً ما راه گم کرده‌ایم

مکارم: هنگامی که (وارد باغ شدند، و) آن را دیدند گفتند: ما راه را گم کرده‌ایم!

بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ﴿٢٧﴾

فولادوند: [نه] بلکه ما محرومیم

مکارم: (آری همه چیز به طور کامل از دست ما رفته) بلکه ما محرومیم.

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿٢٨﴾

فولادوند: خردمندترینشان گفت آیا به شما نگفتم چرا خدا را به پاکی نمی‌ستایید

مکارم: یکی از آنها که از همه عاقلتر بود گفت: آیا به شما نگفتم چرا تسبیح خدا نمی‌گویند؟

قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿٢٩﴾

فولادوند: گفتند پروردگارا تو را به پاکی می‌ستاییم ما واقعا ستمگر بودیم

مکارم: گفتند: منزه است پروردگار ما، مسلماً ما ظالم بودیم.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوْهُمْ ﴿٣٠﴾

فولادوند: پس بعضی‌شان رو به بعضی دیگر آوردند و همدیگر را به نکوهش گرفتند

مکارم: سپس آنها رو به هم کردند و به ملامت یکدیگر پرداختند.

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ﴿٣١﴾

فولادوند: گفتند ای وای بر ما که سرکش بوده‌ایم

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

مکارم: (و فریادشان بلند شد) گفتند: وای بر ما که طغیانگر بودیم.

عَسَى رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿٣٢﴾

فولادوند: امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به ما عوض دهد زیرا ما به پروردگارمان مشتاقیم

مکارم: امیدواریم پروردگارمان (ما را ببخشد و) بهتر از آن را بجای آن به ما بدهد، چرا که ما به او دل بسته‌ایم.

كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٣٣﴾

فولادوند: عذاب [دنیا] چنین است و عذاب آخرت اگر می‌دانستند قطعاً بزرگتر خواهد بود

مکارم: اینگونه است عذاب خداوند (در دنیا) و عذاب آخرت از آن هم بزرگتر است اگر می‌دانستند.

إِنِّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ ﴿٣٤﴾

فولادوند: برای پرهیزگاران نزد پروردگارشان باغستانهای پر ناز و نعمت است

مکارم: برای پرهیزکاران نزد پروردگارشان باغهای پر نعمت بهشت است

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ﴿٣٥﴾

فولادوند: پس آیا فرمانبرداران را چون بدکاران قرار خواهیم داد

مکارم: آیا مؤمنان را همچون مجرمان قرار می‌دهیم؟

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿٣٦﴾

فولادوند: شما را چه شده چگونه داوری می‌کنید

مکارم: شما را چه می‌شود؟ چگونه داوری می‌کنید؟

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ﴿٣٧﴾

فولادوند: یا شما را کتابی هست که در آن فرا می‌گیرید

مکارم: آیا کتابی دارید که از آن درس می‌خوانید؟

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا يَتَخَيَّرُونَ ﴿٣٨﴾

فولادوند: که هر چه را برمی‌گزینید برای شما در آن خواهد بود

مکارم: که آنچه را شما انتخاب می‌کنید از آن شما است؟

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ ﴿٣٩﴾

فولادوند: یا اینکه شما تا روز قیامت [از ما] سوگندهایی رسا گرفته‌اید که هر چه دلتان خواست حکم کنید

مکارم: یا اینکه عهد و پیمان مؤکد و مستمری تا روز قیامت بر ما دارید که هر چه را به نفع خود اختیار می‌کنید برای شما قرار می‌دهد؟

سَلُّهُمْ أَيُّهُمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ ﴿٤٠﴾

فولادوند: از آنان بپرس کدامشان ضامن این [ادعا] بند

مکارم: از آنها بپرس کدامیک از آنان چنین چیزی را تضمین می‌کند؟

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فليَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ﴿٤١﴾

فولادوند: یا شریکانی دارند پس اگر راست می‌گویند شریکانشان را بیاورند

مکارم: یا اینکه معبودانی دارند (که آنها را شریک خدا قرار داده‌اند و برای آنان شفاعت می‌کنند) اگر راست می‌گویند معبودان خود را ارائه دهند.

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ﴿٤٢﴾

فولادوند: روزی که کار زار [و رهایی دشوار] شود و به سجده فرا خوانده شوند و در خود توانایی نیابند

مکارم: به خاطر بیاورید روزی را که ساق پاها از وحشت برهنه می‌گردد و دعوت به سجود می‌شوند اما قادر بر آن نیستند!

خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ ﴿٤٣﴾

فولادوند: دیدگانشان به زیر افتاده خواری آنان را فرو می‌گیرد در حالی که [پیش از این] به سجده دعوت می‌شدند و تندرست بودند

مکارم: این در حالی است که چشمهای آنها (از شدت ندامت و شرمساری) به زیر افتاده و ذلت و خواری وجود آنها را فرا گرفته، آنها پیش از این دعوت به سجود می‌شدند در حالی که سالم بودند (ولی امروز دیگر توانایی آن را ندارند)

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٤﴾

فولادوند: پس مرا یا کسی که این گفتار را تکذیب می‌کند واگذار به تدریج آنان را به گونه‌ای که در نیابند [گریبان] خواهیم گرفت

مکارم: اکنون مرا با آنها که این سخن را تکذیب می‌کنند رها کن و ما آنها را از آنجا که نمی‌دانند تدریجا به سوی عذاب پیش می‌بریم.

وَأْمَلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ ﴿٤٥﴾

فولادوند: و مهلتشان می‌دهم زیرا تدبیر من [سخت] استوار است

مکارم: و به آنها مهلت می‌دهم، چرا که نقشه‌های من محکم و دقیق است.

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرَمٍ مُثْقَلُونَ ﴿٤٦﴾

فولادوند: آیا از آنان مزدی درخواست می‌کنی و آنان خود را زیر بار تاوان گرانبار می‌یابند
مکارم: یا اینکه تو از آنها مطالبه مزدی می‌کنی که پرداخت آن برای آنها سنگین است؟!

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ﴿٤٧﴾

فولادوند: یا [علم] غیب پیش آنهاست و آنها می‌نویسند

مکارم: یا اسرار غیب نزد آنها است، و آن را می‌نویسند (و به یکدیگر می‌دهند)؟

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ ﴿٤٨﴾

فولادوند: پس در [امثال] حکم پروردگارت شکیبایی ورز و مانند همدم ماهی [=یونس] مباش آنگاه که اندوه زده ندا درداد
مکارم: اکنون که چنین است صبر کن و منتظر فرمان پروردگارت باش و مانند صاحب ماهی (یونس) نباش (که در تقاضای مجازات قومش عجله کرد و گرفتار مجازات ترک اولی شد) در آن زمان که خدا را خواند در حالی که مملو از اندوه بود.

لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ﴿٤٩﴾

فولادوند: اگر لطفی از جانب پروردگارش تدارک [حال] او نمی‌کرد قطعاً نگوشتش شده بر زمین خشک انداخته می‌شد
مکارم: و اگر رحمت خدا به یاریش نیامده بود (از شکم ماهی) بیرون افکنده می‌شد در حالی که مذموم بود.

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٥٠﴾

فولادوند: پس پروردگارش وی را برگزید و از شایستگانش گردانید

مکارم: ولی پروردگارش او را برگزید، و از صالحان قرار داد.

وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ ﴿٥١﴾

فولادوند: و آنان که کافر شدند چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند و می‌گفتند او واقعا دیوانه‌ای است
مکارم: نزدیک است کافران هنگامی که آیات قرآن را می‌شنوند تو را با چشمان خود هلاک کنند و می‌گویند او دیوانه است!

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿٥٢﴾

فولادوند: و حال آنکه [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست

مکارم: در حالی که این (قرآن) جز مایه بیداری برای جهانیان نیست.